

استرداد بزهکاران^(۱)

مقدمه

فرار از تحمل کیفر یک امر طبیعی است. متهم برای انجام آن به هر راهی متوسل میشود. خروج از کشور محل وقوع جرم و اقامت در کشور دیگری از راههای ساده‌ای است که مجرمان برمی‌گزینند. با خروج متهم از محل وقوع جرم و اقامت در یک کشور خارجی، مقامات قضائی محل وقوع جرم نمیتوانند به متهم دسترسی یابند و او را مورد تعقیب و مجازات قرار دهند؛ زیرا طبق قاعده سرزمینی بودن قوانین کیفری هر جرمی در محل وقوع آن قابل تعقیب و محاکمه و مجازات است و کشور محل سکونت علی‌الاصول حق و صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی و مجازات مجرم را ندارد.

تسلیم متهم و یا محکوم علیه از طرف کشوری که مرتکب پس از ارتكاب جرم به آن پناه برده به کشوری که حق محاکمه و یا مجازات او را دارد استرداد نامیده میشود.

1. L extradition.

کشور درخواست کننده را متقاضی و طرف مقابل را متقاضی عنه میگویند. قانون استرداد مجرمین، استرداد را تعریف نکرده است. در سایر قوانین نیز تعریفی از استرداد دیده نمیشود. استرداد در لغت به معنای درخواست بازگردانیدن، بازدهی و پس فرستادن آمده است.

در اصطلاح حقوقی «استرداد» از مفهوم لغوی خود دور نبوده و به مجموعه اقداماتی گفته میشود که برای برگردانیدن بزهکار از کشور محل سکونت به کشور محل وقوع جرم صورت میگیرد.^(۱) استرداد ممکن است قبل از صدور حکم محکومیت و به منظور تعقیب و محاکمه متهم صورت گیرد و یا بعد از صدور حکم محکومیت و جهت اجرای آن بعمل آید.

اندیشه استرداد مجرمان یک امر قدیمی است، زیرا استرداد هم به نفع دولت محل وقوع جرم است و هم به نفع کشور محل سکونت متهم و یا محکوم علیه.^(۲) برای دولت تقاضا کننده این نفع را دربردارد که مجرم را محاکمه و مجازات میکند و بدین وسیله نظم عمومی را که بواسطه وقوع جرم و بدون مجازات ماندن متهم مختل گردیده تأمین مینماید. بعلاوه دیگران درمی یابند که پناه بردن به یک کشور خارجی موجبی برای فرار از کیفر نخواهد بود.

از لحاظ کشور مسترد کننده دارای این نفع است که خاک آن، پناهگاه متهمان و مجرمان فراری واقع نمیشود. اجتماع مجرمان کیفر ندیده و اصلاح نشده، امنیت و دفاع ملی را سخت به مخاطره می اندازد. با استرداد مجرم دولت مسترد کننده علاوه بر تعاون قضائی برای مبارزه با مجرمیت و شرکت در احقاق حق و اجرای عدالت امنیت ملی و نظم داخلی خود را نیز بهتر تأمین مینماید.

(۱) - مرحوم دکتر عبدالحسین علی آبادی استرداد را چنین تعریف کرده است: «استرداد عبارتست از آیینی که کشور متقاضی (که غالباً در خاک آن جرم ارتکاب شده) را مجاز میسازد از کشور دیگری تسلیم مجرم یا محکومی که در خاک آن مامن گزیده خواستار شود» حقوق جنائی، ج ۳، ص ۵۱.

تعریف جامع تر را میتوان در نوشته های پروفسور بوزا و پروفسور پنیاتل پیدا کرد. برای اطلاع مراجعه شود به حقوق جزا و جرم شناسی، ج ۲، ص ۱۶۵۷.

(۲) - به قول پروفسور بوزا و پروفسور پنیاتل، استادان معروف حقوق جزا: در مورد فایده استرداد کافی است که گفته شود وجود مقررات استرداد موجب میشود تا بزهکارانی که پس از ارتکاب جرم یا صدور حکم محکومیت به کشور دیگر پناه برده اند از تعقیب و اجرای عدالت مصون نباشند. در حقیقت این مقررات نقاط ضعف سیستم کیفری را از بین میبرد. حقوق جزا و جرم شناسی، ج ۲، ص ۱۳۲۳.

هر چند ارزش استرداد از دوران گذشته برهمگان آشکار بوده و حتی مانند یک عرف قضائی در موارد خاصی اجراء میشده است؛^(۱) ولی اندیشه تدوین مقررات خاص و تعیین ضوابط و معیارها در این رهگذر و به ویژه امضاء قراردادهای بین‌المللی امر تازه‌تری است.^(۲)

گسترش وسایل ارتباطی و سهولت مسافرت زمینی و هوایی و دریائی سبب شده است تا تبه‌کاران بتوانند به آسانی از مرزهای کشور محل وقوع جرم خارج شوند و خود را از تعقیب مقامات قضائی و پلیسی محل وقوع جرم در امان نگهدارند. روش برگزیده مجرمان، ضرورت همکاریهای سریع و همه جانبه کلیه کشورهای جهان را بخوبی توجیه میکند. بهمین ملاحظات است که هر روز قراردادهای جدید استرداد بین کشورها بسته میشود و قوانین خاصی در این رهگذر به تصویب مراجع قانونگذاری میرسد.^(۳)

در جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر وجود چند فقره قرارداد استرداد

(۱) - از جمله میتوان به موردی اشاره کرد که آتنی‌ها اعلام داشته بودند سوء قصد کنندگان به جان فیلیپ را که به خاک آنان فرار کرده بودند تسلیم خواهند کرد. همچنین استرداد افرادی که بر ضد پادشاه قیام میکردند و در صدد محروم نمودن او از تاج و تخت بودند رواج کامل داشت. این استرداد بیشتر برای جلوگیری از لشکرکشی‌ها و جنگ و خونریزی و پیشگیری از انتقام‌جویی صورت میگرفت. در روابط ایران و یونان بارها اتفاق میافتاد که یکی از اتباع دو کشور که متهم به بزهکاری، مخصوصاً کوشش برای برانداختن سلطنت حکومت وقت بوده مسترد میگردد.

(۲) - بوزا و استفانی، منبع پیشین، ش ۱۷۳۱.

(۳) - نخستین قانون استرداد مجرمان در کشور بلژیک تدوین گردید. این قانون مدتها بعنوان قانونی منحصر بفرد به موقع اجراء گذشته میشد. سالها بعد دولت بریتانیا در صدد برآمد تا با استفاده از روش قانونگذار بلژیکی، قانونی در خصوص استرداد مجرمین، تهیه نماید؛ ولی چون افکار عمومی در این کشور مخالف استرداد بود و آنرا خطر جدی برای آزادی فردی و پناه دادن به مجرمان سیاسی تلقی میکرد دولت به زحمت توانست قانون مربوط به استرداد را از تصویب قوه مقننه بگذراند.

در حال حاضر در کشورهای ذیل قانون استرداد مجرمیت وجود دارد: بلژیک قانون ۱۸۳۳ - ایالات متحده آمریکا فرمان ۱۲ اوت ۱۸۴۸ که با قوانین بعدی اصلاح و تکمیل شده است - انگلستان قانون ۱۸۷۰ - هلند قانون ۱۸۷۵ - آرژانتین قانون آوریل ۱۸۸۵ - کانادا قانون ۲۸ آوریل ۱۸۸۷ - ژاپن قانون ۱۸۸۷ - نروژ قانون ۱۹۰۷ - برزیل قانون ۲۸ ژوئن ۱۹۱۱ - سوئد قانون ۱۹۱۳ - فرانسه قانون ۱۹۲۸ - پرو ۱۹۰۶ - فنلاند ۱۹۲۲ - آلمان قانون ۱۹۲۹ - دقت در مفاد مجموع قوانین یاد شده بخوبی می‌رساند که در قدیم استرداد بیشتر بخاطر جرائم سیاسی و نظامی بوده است، درست برخلاف امروز که استرداد برای جرائم سیاسی و نظامی قابل پذیرش نیست.

مجرمان قانون ویژه‌ای نیز در این رابطه به تصویب قوه مقننه رسیده است.^(۱) (مانند: عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضائی در امور جزائی منعقد بین دولت ایران و جمهوری ترکیه، ۲۳ اسفند ماه ۱۳۱۵ مطابق با چهارم مارس ۱۹۳۷).

عهدنامه استرداد مجرمین بین ایران و فرانسه، سوم تیرماه ۱۳۴۳ مطابق با ۲۴ ژوئن ۱۹۶۴.

پروتکل راجع به اعاده مجرمین و متهمین بین ایران و افغانستان، تهران ۲۹ خردادماه ۱۳۰۷ برابر با پانزدهم ژوئن ۱۹۲۸.

از لحاظ روابط بین‌المللی بین سایر کشورهای جهان نیز قراردادهای متعدد استرداد منعقد شده است که از ذکر یکایک آنها خودداری میشود و یادآوری مینماید که مهمترین قراردادی که در این زمینه وجود دارد کنوانسیون اروپائی تعاون قضائی است که بین کشورهای اروپائی در سال ۱۹۵۷ منعقد گردیده و تحولی شگرف در زمینه استرداد مجرمین بوجود آورده است. تنها شش کشور اروپائی به لحاظ اعمال مجازات اعدام به آن ملحق نشده‌اند).

استرداد اجباری و استرداد اختیاری

چنانچه بین دولت تقاضاکننده و دولت متقاضی عهه قرارداد ویژه استرداد مجرمین وجود داشته باشد، نسبت به جرائم پیش‌بینی شده در عهدنامه، و با رعایت سایر شرایط قبول استرداد اجباری است. اما اگر بین کشور متقاضی و کشور متقاضی عهه قرارداد خاصی وجود نداشته باشد و همچنین نسبت به جرائم خارج از شمول عهدنامه، قبول و یارده تقاضا اختیاری بوده و منوط به میل واراده کشوری است که از آن تقاضای استرداد و یا اجرای حکم محکومیت بعمل می‌آید. در صورت اخیر معمولاً استرداد مجرم و یا اجرای حکم را به وجود روابط متقابل منوط میکنند.

(۱)- نخستین قانونی که در ایران راجع به استرداد مجرمین به تصویب قوه مقننه رسید، بدون شک قانون راجع به تعقیب جزائی مجرمین فراری از مناطق سرحدی مجاور ایران، مصوب مردادماه ۱۳۱۳، است. این قانون هرچند در نوع خود تحولی در زمینه استرداد مجرمین بوجود آورد، اما یک قانون مطلوب بشمار نمی‌آمد. در سال ۱۳۳۹ قانون راجع به استرداد مجرمین در ۲۶ ماده به تصویب قوه مقننه رسید و با تصویب این قانون که از آخرین قوانین راجع به استرداد و قراردادهای بین‌المللی موجود در این رابطه الهام گرفته است تحولی بوجود آورد و به نارسائی‌های قوانین موجود و بلا تکلیفی‌های مراجع قضائی خاتمه داد. ضمن گفتارهای آینده مقررات قانون مذکور مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

تقدّم قرارداد بر قانون

مبنای استرداد مجرمین به ترتیب معاهدات موجود بین دولتها، قوانین داخلی کشورها، اصول کلی حقوق، عرف و عادت بین المللی و شرط معامله متقابل است.

برابر ماده یک قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹: «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده و یا منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد». دقت در مفاد ماده فوق بخوبی میرساند که در استرداد مجرمین قانون که مظهر اراده یک کشور است نمیتواند عهدنامه را که مظهر اراده دو و یا چند حاکمیت ملی است از بین ببرد؛ به عبارت دیگر در این رهگذر معاهده بر قانون تفوق و برتری دارد. بنابراین در موارد استرداد قاضی رسیدگی کننده در هر مورد باید کوشش کند تا حکم مسئله را در قراردادهای موجود بیابد و طبق مفاد آن عمل بنماید و چنانچه قراردادی بین دولت ایران و کشور متقابل وجود نداشته باشد و یا قرارداد موجود کلیه جهات لازم را پیش بینی نکرده و پاسخگو نباشد طبق مقررات قانون استرداد مجرمین رفتار خواهد کرد.

تقسیم بندی

به پیروی از روش تهیه کنندگان قانون استرداد مجرمین نخست مطالب مربوط به شرایط ماهوی استرداد مورد بررسی قرار خواهد گرفت و آنگاه ترتیب استرداد (آئین دادرسی) توضیح داده خواهد شد و سپس با تجزیه و تحلیل نتایج و آثار استرداد موضوع مورد بحث خاتمه خواهد یافت. بنابراین نوشتار حاضر دارای ۳ گفتار بشرح زیر خواهد بود:

گفتار اوّل - شرایط ماهوی استرداد

گفتار دوّم - ترتیب استرداد

گفتار سوّم - آثار استرداد

گفتار اول

شرایط ماهوی استرداد

Conditions de fond de L'extradition

کلیات - با دقت در متن قانون راجع به استرداد مجرمین بخوبی معلوم میشود که مقنن برای استرداد مجرمان جهت تعقیب کیفری و یا اجرای حکم سه گونه شرط را مورد توجه خاص قرار داده است. یک سری از این شرایط به نفس جرم ارتكابی و نوع و میزان مجازات آن مربوط میشود؛ یک سری به صلاحیت دولت درخواست کننده ارتباط پیدا میکند و بالاخره یک سری هم به ضوابط تابعیت شخص مورد تقاضا برمیگردد.

الف - شرایط جرم ارتكابی

در دوران گذشته قواعد استرداد فقط در خصوص جرائم مهم اعمال میشد. مثل قتل نفس - خیانت به میهن - هتک ناموس با عنف - جرائم نظامی، اما بتدریج دامنه شمول استرداد افزایش یافت؛ تا آنجا که امروزه بسیاری از جرائم قابل استرداد بشمار میآیند. در حقیقت اصل بر استرداد پذیری هر جرمی بوده و عدم پذیرش استرداد نسبت به برخی از جرائم یک امر استثنائی است.

برای قبول تقاضای استرداد از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، جرم ارتكابی باید طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنائی باشد^(۱)؛ چنانچه عمل ارتكابی از درجه جنائی نبوده و مستلزم مجازات جناحه‌ای باشد استرداد در صورتی پذیرفته میشود که حداکثر مجازات مقرر در قانون برای آن جرم از یک سال حبس کمتر نباشد.^(۲)

در مواردیکه شخص مورد تقاضا مرتکب چند جرم شده باشد هرگاه حداکثر

(۱) - بند یک ماده ۴ قانون استرداد مجرمین.

(۲) - بند ۲ ماده ۴ ق. ا. م.

مجازات‌ای که طبق قانون دولت تقاضا کننده برای مجموع جرائم ارتكابی پیش‌بینی شده کمتر از یک سال حبس نباشد استرداد امکان‌پذیر خواهد بود.^(۱) درخواست استرداد برای اجرای حکم محکومیت کمتر از دو ماه پذیرفته نیست.

هرگاه شخص مورد تقاضا قبلاً به علت ارتكاب یکی از جرائم عمومی به بیش از دو ماه حبس محکوم شده و بعداً مرتکب جنحه یا جنایتی شود استرداد او امکان‌پذیر است هرچند مجازاتی که به موجب قانون برای جرم بعدی مقرر گردیده کمتر از یک سال حبس بوده و یا محکومیتی که سبب ارتكاب جرم بعدی یافته کمتر از دوماه حبس باشد.^(۲)

لازم به یادآوری است که برای پذیرش استرداد نه فقط عمل ارتكابی طبق قوانین کشور تقاضا کننده باید مستلزم مجازات جنائی و یا بیش از یک سال حبس باشد. بلکه به موجب قوانین ایران نیز عمل ارتكابی باید مستلزم مجازات جنائی و یا مجازات جنحه بیش از یکسال حبس باشد.

شروع به جرم

از لحاظ اعمال مقررات استرداد، شروع به جرم در حکم نفس جرم است. طبق ماده ۷ قانون استرداد مجرمین: «شروع به ارتكاب جرم از لحاظ استرداد، مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود» بدیهی است برای شروع به جرم زمانی استرداد قابل پذیرش است که شروع به جرم عمل ارتكابی طبق قانون قابل مجازات باشد.

بزه‌های غیر قابل استرداد

درخواست استرداد جرائم زیر مورد موافقت قرار نخواهد گرفت:

یک - جرائم سیاسی Les infractions Politiques

یکی از بزه‌هایی که مرتکبین آن قابل استرداد نیستند، جرم سیاسی است. طبق سنتی که از قرن‌ها پیش بین دولتها معمول شده، مرتکبین جرائم سیاسی از استرداد مصون میباشند. این روش علاوه بر سنتی بودن، در قراردادهای استرداد مجرمین و نیز در قوانین راجع به استرداد با صراحت قید میشود. کما

(۱) - ماده ۵ ق. ا. م.

(۲) - ماده ۶ ق. ا. م.

اینکه بند ۲ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین در مقام شمارش موارد رد تقاضا مقرر میدارد: «هرگاه جرم ارتكابی از جرائم سیاسی بوده و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده است».^(۱)

همچنین به موجب ماده چهارم قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه: «در صورتیکه جرمی که بعلت آن تقاضای استرداد شده از طرف دولت طرف تقاضا جرم سیاسی یا عمل مربوط به جرم سیاسی تلقی شود استرداد بعمل نخواهد آمد».

ترتیب فوق در صورتی نیز به مورد اجراء گذاشته خواهد شد که طرفی که از او تقاضای استرداد شده دلایل مقتضی در دست داشته باشد مبنی بر اینکه تقاضای استرداد که بعلت یک جرم عمومی بعمل آمده بمنظور تعقیب یا مجازات مجرم از نظر نژاد و مذهب و ملیت و یا از نظر عقاید سیاسی او صورت میگیرد یا اینکه وضع مجرم بعلت یکی از دلایل مذکور فوق سخت‌تر و مشگل‌تر میگردد...»

هرچند قاعده عدم قبول تقاضای استرداد در مورد جرائم سیاسی با صراحت هرچه تمامتر در قانون و عهد نامه‌های موجود مقرر شده است، مع الوصف عدم تعریف جرم سیاسی و ارائه ضوابط قانونی برای تشخیص آن اشکال عملی فراوانی بوجود می‌آورد. عده‌ای برای تعریف جرم سیاسی «انگیزه» و برخی دیگر «هدف» را مناط اعتبار و تشخیص قرار داده‌اند؛ در هر حال از نظر بین‌المللی هنوز راه و روشی که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد. قدر مسلم آن است جرائمی که از نظر طبع و هدف سیاسی است قابل استرداد نمیباشد، بعلاوه طبق صراحت قسمت آخر بند ۲ ماده ۸ قانون یاد شده سوء قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد.^(۲)

دو - جرائم مربوط به اختلافات و جنگهای داخلی

بزه‌های ناشی از اختلافات و جنگهای داخلی جزء جرائم متصل یا مربوط به جرائم سیاسی^(۳) تلقی شده و بهمین لحاظ مشمول استرداد نمی‌باشند. طبق بند ۲ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین: «در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد، مگر اینکه اعمالی که ارتكاب یافته

(۱) - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به دوره حقوق جزای عمومی، تألیف دکتر مرتضی محسنی، ج ۱ ص ۴۱۴ و ۴۱۵.

(۲) - برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به حقوق جنائی، تألیف مرحوم دکتر عبدالحسین علی‌آبادی، ج ۳ ص ۱۶۸.

وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد که در اینصورت استرداد پس از خاتمه جنگ‌های داخلی قابل قبول خواهد بود.»

سه - جرائم نظامی (۱)

برابر بند ۴ ماده ۸ قانون یاد شده هرگاه جرم ارتكابی از جرائم نظامی باشد استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد و طبق ماده پنجم قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه: «در صورتیکه جرمی که بعلت آن تقاضای استرداد شده منحصرأ مربوط به نقض تعهدات نظامی باشد استرداد بعمل نخواهد آمد.»

منظور از جرائم نظامی بزه‌هایی است که افراد نیروهای مسلح در ارتباط با وظایف خاص نظامی - انتظامی مرتکب میشوند. مانند بزه‌های موضوع قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۱. (۲)

چهار - جرائم خلاقی

چون امر استرداد مستلزم تشریفات فراوان و هزینه‌های هنگفت میباشد دولتها در صدد برآمده‌اند که جرائم کم اهمیت را از شمول مقررات استرداد خارج نمایند. بهمین لحاظ استرداد در مورد جرائم بی‌اهمیت بویژه امور خلاقی و جنحه‌های کوچک پذیرفته نمیشود. (۳)

استرداد برای اجرای مجازاتهای خشن و غیرانسانی نیز بلحاظ مغایرت آن کیفرها با حقوق بشر قابل پذیرش نیست.

(1). Les Infractions Militaires.

(۲) - در اغلب کشورهای جهان منظور از جرائم نظامی بزه‌هایی است که قوانین دادرسی و کیفر ارتش آنها را پیش‌بینی کرده و مجازاتی برای آنها مقرر داشته است و یا جرائم عمومی هستند که نظامیان بمناسبت شغل و در حین انجام وظیفه مرتکب شده‌اند.

در فرانسه سه نوع جرم نظامی قابل تشخیص است: الف - جرائمی که خاص نظامیان بوده و غیر نظامی نمیتواند مرتکب آن بشود، مانند، فرار از جبهه جنگ، تمرد - ترک خدمت و غیره. ب - جرائم مختلط ج - جرائم معمولی.

برای اطلاع بیشتر رجوع شود به مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، نوشته پروفیسور گارو، ترجمه مرحوم دکتر سید ضیاءالدین نقابت، ج ۱، ص ۲۴۰.

(۳) - به گفته استاد دکتر مرتضی محسنی: «در ایام قدیم موسوم بود که دولتها فهرستی از جرائم قابل استرداد را تهیه و بین خود مبادله مینمودند. اما این امر ایجاد اشکالات فراوان مینمود. چه مقننین کشورهای مختلف هر روز دامنه جرائم را گسترش داده و عملاً تعداد جرائم را توسعه میدادند و چون این جرائم جدید در فهرست جرائم عهدنامه‌های استرداد ذکر نشده بود لذا مجبور بودند که مرتباً فهرست را تغییر دهند. برای رفع اشکال در صدد برآمدند که جرائم کم اهمیت را از حیطه استرداد خارج نمایند.»

دکتر مرتضی محسنی: دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱: ص ۴۱۳.

استرداد برای اعمال مجازات اعدام، قطع اعضاء تنبیهات بدنی، مرگ مدنی و نظایر آنها پذیرفته نمیشود.

پنجم - جرائم مستلزم اقدامات تأمینی

این پرسش مطرح است که آیا برای جرائم مستلزم تدابیر تأمینی میتوان درخواست استرداد کرد؟ هیچیک از قوانین و عهدنامه‌های شناخته شده موجود اشاره خاصی به این مسئله نکرده‌اند.^(۱) ولی چون تعداد این نوع جرائم هر روز افزایش می‌یابد و اقدامات تأمینی و تربیتی در حقیقت مکمل مجازات می‌باشد باید درباره آن چاره‌ای اندیشید و راه‌حلی پیدا کرد تا جلوی اجرای این اقدامات گرفته نشود، هرچند رویه قضائی در کشور فرانسه استرداد برای اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی را قبول نکرده است.

ب - صلاحیت دولت درخواست کننده

کشوری میتواند درخواست استرداد مجرمین را بنماید که صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشد، بنابراین تقاضا وقتی پذیرفته می‌شود که:

۱- جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضا کننده بوسیله اتباع آن دولت و یا اتباع دولت دیگر واقع شده باشد.

۲- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضا کننده بوسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد.

۳- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضا کننده بوسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد، مشروط بر اینکه جرم ارتكابی مضربه مصالح عمومی کشور تقاضا کننده باشد.

دقت در بندهای سه‌گانه ماده ۳ قانون استرداد، به شرح بالا، نشان میدهد که تقاضای دولتی پذیرفته میشود که در محاکمه و یا مجازات متهم نفعی داشته باشد. وقوع جرم در قلمرو حاکمیت دولت تقاضا کننده و یا ارتكاب جرم علیه یکی از اتباع آن کشور و یا علیه مصالح عمومی کشور درخواست کننده میتواند نشانگر ذینفع بودن و توجیه کننده تقاضای استرداد باشد.^(۲)

تابعیت شخص مورد تقاضا

از لحاظ روابط بین‌المللی چون حمایت از اتباع داخلی از وظایف مهم و

(۱) - بوزا و پنیاتل، منبع پیشین: ش ۱۷۴۶.

اساسی دولتها است هیچ کشوری حاضر به استرداد تبعه خود نمیشود.^(۱) کما اینکه به صراحت بند یک ماده ۸ قانون استرداد مجرمین هرگاه شخص مورد تقاضای ایرانی باشد درخواست استرداد مورد موافقت قرار نخواهد گرفت و نیز ماده ۳ همان قانون تنها استرداد غیرایرانی را قابل پذیرش دانسته است. بعلاوه اگر دولت متقاضی عنه صلاحیت رسیدگی به جرم ارتكابی را داشته باشد استرداد پذیرفته نمیشود.^(۲)

جرم بودن عمل ارتكابی در قوانین دولت تقاضا کننده و دولت پذیرنده
درخواست استرداد به شرطی پذیرفته میشود که عمل ارتكابی طبق قوانین دولت تقاضا کننده و نیز طبق قوانین دولت پذیرنده هر دو جرم شناخته شود. عدم شناسایی خصیصه کیفری نسبت به عمل ارتكابی در قوانین داخلی هر یک از دو کشور مانع استرداد خواهد بود. طبق قسمت اخیر بند ۲ ماده ۴ قانون استرداد مجرمین: در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع میشود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنائی و یا جنحه‌ای باشد.

تحمل مجازات

چنانچه شخص مورد تقاضا از جهت جرمی که برای آن درخواست استرداد شده است مورد تعقیب قرار گرفته و یا محکومیت یافته باشد استرداد وی پذیرفته نمیشود. همچنین است اگر عمل ارتكابی مشمول مرور زمان شده و یا بجتهی از جهات قانونی حکم تبرئه و یا قرار منع تعقیب و یا قرار موقوفی تعقیب درباره آن صادر شده باشد.

طبق بند ب ماده هفتم قرارداد استرداد مجرمین بین دولت ایران و فرانسه، در صورتیکه در مورد جرائم ارتكابی حکم قطعی دادرسی در قلمرو دولت طرف تقاضا صادر شده باشد با استرداد موافقت نخواهد شد.

تعدد تقاضا

چنانچه برای جرم ارتكابی واحد از طرف چند کشور درخواست استرداد شده باشد مجرم به دولتی تسلیم میشود که آن دولت در محاکمه و مجازات او نفع بیشتری دارد. کما اینکه ماده ۹ قانون استرداد مجرمین میگوید:

1. Un Etat ne livre pas ses nation aux.
2. Un Etat ne livre pas ses Justiciables

هرگاه چند دولت تقاضای ردّ مجرمی را بعلت ارتکاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم میشود که جرم در قلمرو آن دولت و یا علیه مصالح آن کشور ارتکاب یافته است. و طبق ماده ۱۰ همان قانون: هرگاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتکاب جرائم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم میشود.

نفع بیشتری که موجه حق تقدم برای محاکم و اجرای مجازات است با توجه به اهمیت جرم ارتكابی و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای استرداد و تعهدی که دولت تقاضا کننده نسبت به استرداد مجدد متهم یا محکوم علیه مینمایند احراز میشود.

گفتار دوم

ترتیب استرداد

Procedure de L'extradition

لزوم یک تقاضا نامه

برای استرداد مجرم و یا محکوم علیه تقاضای دولت ذینفع ضروری است. وجود این تقاضا نامه هر چند یک شرط واجبی بوده و بدون آن استرداد صورت نمیگیرد؛ اما به تنهایی نیز برای استرداد کافی نیست. حتی وجود شرایط پیش بینی شده در قوانین و یا قراردادهای موجود و فقدان موانع نیز به تنهایی سبب نمیشود که شخص تقاضا شده به دولت متقاضی تسلیم شود.

وجود یک دادرسی حساب شده، در مورد استرداد، موجب میگردد که دولت متقاضی عنه نتواند به ملاحظات سیاسی و روابط دوستانه و بدون رسیدگی قضائی و رعایت حقوق دفاعی متهم سرنوشت او را تعیین کند و او را به کشور تقاضا کننده ردّ نماید.

تقاضای استرداد که از طریق سیاسی بعمل میآید باید موجه و مدلل بوده و کلیه مدارک مربوط به ارتکاب عمل، جرم بودن آن، توجه اتهام و نفع دولت متقاضی را در برداشته باشد.

مدارک ضمیمه تقاضانامه

با دقت در مفاد ماده ۱۲ قانون استرداد مجرمین میتوان گفت که مدارک زیر باید ضمیمه تقاضانامه استرداد به دولت متقاضی عنه تسلیم گردد:

۱- حکم محکومیت یا قرار جلب به دادرسی یا قرار بازداشت موقت یا دستور جلب متهم از طرف مقامات قضائی و یا هرگونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور میباشد.

۲- شرح جریان اتهام، تاریخ و محل وقوع جرم و کیفیت ارتکاب آن.

۳- رونوشت مواد قانونی مورد استناد که به موجب آنها عمل در کشور متقاضی جرم شناخته میشود.

۴- کلیه دلایل و مدارک مربوط به انتساب بزه.

۵- هر قسم اسناد و اطلاعات دیگر که برای کشف جرم و شناسائی متهم کمک بنماید؛ از قبیل عکس، آثار انگشتان و علائم مشخصه دیگر.

چنانچه مدارک ردیف‌های ۱ و ۲ و ۳ پیوست تقاضانامه نباشد تقاضای استرداد ردّ میشود و یا اینکه دولت ایران میتواند تکمیل آن را از کشور تقاضاکننده بخواهد. دولت جمهوری اسلامی ایران چنانچه متقاضی باشد اسناد فوق را که توسط مراجع قضائی تهیه میشود به کشور مربوطه ارسال مینماید و اگر متقاضی عنه باشد با دریافت مدارک فوق اقدام لازم قانونی معمول میدارد.

روش‌های بررسی تقاضا

برای بررسی تقاضا و انطباق آن با شرایط مندرج در عهدنامه و یا قانون استرداد و نتیجتاً برای اتخاذ تصمیم در قبول و یا ردّ تقاضا دو روش متفاوت وجود دارد:

الف - روش اداری - سیاسی.

ب - روش قضائی.

الف - روش اداری - سیاسی

اقدام با این روش بسیار ساده است. رسیدگی به تقاضا و تشخیص اینکه شرایط پیش‌بینی شده مورد رعایت قرار گرفته یا نه با مقامات دولتی است. در حقیقت رسیدگی به شرایط استرداد و احراز وجود آنها یکی از اقدامات معمولی دولت بشمار می‌آید و بهمین جهت سریع انجام می‌گیرد و ازاین لحاظ دارای مزیت است. لیکن از نظر احترام به حقوق بشر و آزادیهای متهم و حقوق دفاعی او روش مناسبی نیست.

ب - روش قضائی

بر حسب اقتضای این روش، بررسی تقاضای استرداد و تشخیص وجود و یا عدم شرایط لازم با مقامات قضائی است. در این روش به شخص مورد تقاضا اجازه و امکان داده میشود که با تدارک دلایل و مدارک لازم از خود دفاع کند و اگر شرایط استرداد وجود نداشته باشد آنرا موجهاً اعلام نماید. حتی متهم برای دفاع از خود میتواند وکیل انتخاب کند^(۱) و آزادی مشاوره با وکیل را داشته باشد.

طرز رسیدگی در جمهوری اسلامی ایران

برای رسیدگی به تقاضای استرداد، در جمهوری اسلامی ایران از روش قضائی تبعیت شده است. به موجب ماده ۱۳ قانون استرداد مجرمین: «تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد. در صورتیکه وزارت دادگستری استرداد را منطبق بامقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در آن سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نماید».

نقش دادستان

دادستان عمومی مکلف است ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا بعمل آورده و پس از تعیین هویت متهم و تفهیم اتهام و اعلام علت بازداشت پرونده امر را جهت رسیدگی به دادگاه صالحه^(۲) بفرستد.

(۱) - مرحوم دکتر عبدالحسین علی آبادی در مزیت سیستم قضائی و مضار آن چنین نوشته‌اند: «بدیهی است که طرز رسیدگی در سیستم قضائی بیشتر با اصول آزادی وفق میدهد. ولی باید دانست که در عین حال دارای مضاری هم میباشد زیرا در موردیکه کشور تقاضاکننده تقاضای استرداد شخصی را مینماید که به او دسترسی ندارد؛ بنابراین نمیتواند آنطوریکه شایسته است تقاضای خود را قائم بر دلایل کافی نماید و بهمین جهت غالباً تقاضاهای استرداد در این سیستم از طرف کشور تقاضاکننده ردّ میشود.....»

در فرانسه یک سیستم وسط بین دو سیستم انتخاب شده است.»

منبع پیشین، ص ۱۷۲.

(۲) - با عنایت به منصوص و حصری بودن صلاحیت دادگاه کیفری ۱ بنظر میرسد که رسیدگی به درخواست استرداد باید در دادگاه کیفری ۲ بعمل آید.

همچنین دادستان عمومی میتواند، در موارد فوری، بنا به درخواست مستقیم مراجع قضائی کشور تقاضاکننده شخص مورد تقاضا را بازداشت کند؛ مشروط به اینکه در تقاضانامه قید شده باشد که اوراق و مدارک استرداد ارسال خواهد شد.

این روش که در ماده ۲۰ قانون استرداد مجرمین آمده است مخاطره‌آمیز بوده و حقوق دفاعی متهم را نادیده میگیرد و ممکنست تالی فاسد داشته باشد. صدور قرار بازداشت موقت افراد قبل از ملاحظه اسناد و مدارک مربوط به اتهام معقول نبوده و با موازین قضائی و اصول کلی حقوق بشر سازگاری ندارد. چنانچه از تاریخ بازداشت شخص مورد تقاضا - ظرف یک ماه برای ممالک همجوار و ظرف دو ماه برای سایر کشورهای جهان - اوراق استرداد واصل نشود شخص بازداشت شده به دستور دادستان آزاد خواهد شد.

رسیدگی در دادگاه

دادگاه رسیدگی کننده در جلسه‌ای خارج از نوبت، موضوع استرداد را مورد بررسی قرار داده و پس از استماع اظهارات دادستان و مدافعات شخص مورد تقاضا و یا وکیل مدافع او رأی خود را مبنی بر قبول و یا رد استرداد صادر و مراتب را به وزارت دادگستری و دادستان عمومی اعلام مینماید. شخص بازداشت شده به هنگام طرح پرونده در دادگاه میتواند برای خود وکیل مدافع و در صورت نیاز مترجم انتخاب کند. حقوق دفاعی متهم در دادگاه باید مورد توجه قرار گیرد.

چنانچه رأی دادگاه بر رد استرداد صادر شود شخص بازداشت شده باید فوری آزاد گردد؛ و اگر رأی قطعی مبنی بر قبول استرداد باشد وزارت دادگستری دستور اجرای آن را به دادستان صادر نموده و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضا کننده اعلام گردد.

اجرای حکم استرداد

چنانچه اشاره شد با توجه به ماده ۱۸ قانون استرداد مجرمین، اجرای حکم استرداد با دادستان عمومی است (دادستان ح-وزه دادگاه صادرکننده حکم). چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه، از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا بعمل نیاید نامبرده فوراً آزاد شده و دیگر استرداد او بجهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد.

در صورت قبول استرداد، محلّ و تاریخ تسلیم به اطلاع دولت تقاضاکننده میرسد. در صورتی که در این مورد توافق حاصل نشود شخص مورد استرداد توسط دولت طرف تقاضا به محلی که نمایندگی سیاسی دولت تقاضاکننده تعیین مینماید منتقل خواهد شد.

عبور ترانزیت

اگر دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد نموده است بطور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد، برابر ماده ۲۵ قانون استرداد مجرمان باید بدو از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. اجازه عبور ترانزیت از طرف وزارت مور خارجه بشرط معامله متقابل داده میشود.

هزینه استرداد

هزینه استرداد و عبور ترانزیت بعهده دولت تقاضاکننده است. (۱)

گفتار سوم

آثار استرداد

Effets de L'extradition

محدود بودن اختیار دولت تقاضا کننده

پس از آنکه تشریفات استرداد بعمل آمد و مجرم در اختیار دولت تقاضا کننده قرار گرفت شخص مستردشده طبق قوانین جزائی همان کشور تعقیب و محاکمه میشود و یا حکم صادر شده درباره او اجراء میگردد.

(۱) - طبق ماده ۱۳ قرارداد استرداد مجرمین بین ایران و فرانسه: «موقعی که استرداد صورت میگیرد کلیه اشیاء مربوط به جرم یا اشیائی که بعنوان اسناد و قرائن بتواند از آن استفاده نمود و هنگام توقیف شخص مورد تقاضا در تصرف او بوده و یا بعداً کشف شود چنانچه دولت تقاضاکننده بخواهد ضبط و به آن دولت تحویل خواهد داد.

تحویل اشیاء مزبور در صورتی هم که استرداد بعلت فرار یا قوت شخص مورد استرداد عملی نگردد انجام پذیر خواهد بود.

معدالک چنانچه اشخاص ثالث حقوقی نسبت به اشیاء مزبور حاصل کرده باشند حق آنها محفوظ خواهد بود و در این صورت اشیاء فوق در خاتمه اقدامات تعقیبی دولت تقاضاکننده هرچه زودتر و بدون درخواست هزینه به دولت طرف تقاضا تسلیم خواهد شد.»

لیکن دولت تقاضاکننده در اعمال مقررات و اقدامات جزائی خود آزادی عمل نداشته و مکلف است شرایط عنوان شده در استرداد و یا در مقررات بین‌المللی را مورد رعایت قرار دهد. از جمله محدودیت‌های دولت تقاضاکننده میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - دولت تقاضاکننده حق ندارد شخص مسترد شده را نسبت به جرائم ارتكابی قبل از استرداد که در تقاضانامه به آن اشاره‌ای نشده است محاکمه نماید.^(۱)

ب - دولت تقاضاکننده حق ندارد مجازاتهای خشن و غیرانسانی در مورد شخص مسترد شده به موقع اجراء بگذارد.

انصراف شخص مورد تقاضا از مزایای استرداد

مقررات شکلی و ماهوی مربوط به استرداد در جهت تأمین و حفظ آزادیهای شخص مورد تقاضا است. چنانچه متهم و یا محکوم علیه بخواهد از مزایای و حمایت‌های قانونی خود انصراف نماید دیگر موردی برای ارجاع امر به دادگاه و صدور رأی استرداد، باقی نمی‌ماند.^(۲)

در اینصورت موضوع انصراف در پرونده امر قید میشود و اقدام اجرائی برای استرداد صورت میپذیرد. طبق ماده ۱۹ ق. ا. م. : «هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نموده و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد او اقدام مقتضی بعمل خواهد آورد».

نگاهی گذرا به قانون راجع به تعقیب جزائی مجرمین فراری از

مناطق سرحدی مجاور ایران؛ مصوب ۱۳۱۳/۵/۱۷

هرچند بسیاری از دستورهای قانون یاد شده با روشهای متداول امروزی و با اصول پذیرفته شده در روابط بین‌المللی تطبیق ندارد و حقوق آزادیهای متهم را بنحو اطمینان‌بخشی تضمین نمیکند و به مأموران سرحدی اجازه وامکان میدهد تا در یک امر مهم قضائی مداخله و تصمیم‌گیری کنند؛ مع الوصف چون نخستین قانونی است که در کشور ما مقررات موضوعه در ارتباط با مسئله استرداد مجرمان

(۱). Le Principe de spe'acilite'.

(۲) - در کشور فرانسه صرف رضایت شخص مورد تقاضا برای اجرای استرداد بدون تشریفات کافی نیست، بلکه متهم یا محکوم علیه باید در دادگاه حاضر شود و تصمیم خود را اعلام کند تا دادگاه احراز نماید که ابراز این رضایت صحیح و خالی از عیب و خلل بوده است.

را تنظیم و تنسيق نموده و راه را برای وضع قوانین بهتر هموار کرده است شایان توجه و دقت میباشد.

به موجب ماده اول قانون مذکور: «مأمورین مربوطه سرحدی در حدود نظامنامه مصوبه هیئت دولت مجاز هستند در مواردیکه شخص یا اشخاصی در منطقه سرحدی مملکت مجاور ایران مرتکب جنحه یا جنایتی شده به خاک ایران فرار نمایند بر طبق تقاضای مأمور سرحدی مملکت مجاور بشرط معامله متقابل و در صورت وجود دلایل و قرائن که اتهام آنها را به ارتکاب جنحه و جنایت تأیید کند آنها را توقیف احتیاطی نمایند تا تقاضای استرداد آنها مطابق مقررات معموله بعمل آید و اگر این تقاضا تا دو ماه از تاریخ توقیف به مقامات مربوطه واصل نگردد و یا دلایل اتهام به نظر مقامات مربوطه موجه نباشد شخص یا اشخاص توقیف شده آزاد خواهند شد.»

چنانچه ملاحظه میشود قانون یاد شده استرداد مجرمان را به معامله متقابل و نظامنامه مصوب هیئت دولت منوط کرده و به وجود قرارداد استرداد یا انجام تشریفات خاص اشاره ای ننموده است.

از آنجائی که نظامنامه مورد نظر مقنن به تصویب نرسیده و مأموران سرحدی نیز آموزش و توان لازم برای تشخیص جنحه و جنایت و کافی بودن دلایل و قرائن ارتکاب جرم و علم به وجود روابط متقابل را ندارند قانون مذکور هیچوقت به موقع اجراء در نیامده است.

بنظر میرسد با تصویب قانون استرداد مجرمین به سال ۱۳۳۹ و اینکه این قانون مقررات جامعی در خصوص استرداد مجرمان دارد دیگر برای اعمال قانون راجع به تعقیب جزائی مجرمین فراری مجالی باقی نمانده باشد.